

نمایشگاه جمعی نقاشی و مجسمه‌سازی در گالری سیحون

نمونه‌هایی خوب از نقاشی معاصر ایران

پهروز صور اسرافیل

گالری سیحون دفتر فعالیت های پارسال خود را با نمایشگاه ارزنده‌ای بست. ده نقاش و مجسمه‌ساز آثار خود را در این مجموعه به تماشا گذاشتند. پاره‌ای از کارهای ارائه شده را در نمایشگاه‌های پیش از این دیده بودیم اما آنچه تازه بود آنقدر تازگی داشت تا تماشای مجدد کارهای تکراری را نیز توجیه کند.

گرچه بخش بزرگی از تابلو ها از دید سوررئالیستی نقاشان خبر می‌داد اما نکته‌ای که همواره در نمایشگاه های جمعی هنرمندان ما وجود داشته است در این مجموعه نیز بچشم می‌خورد و آن ناهمگونی و پراکندگی آثار از نظر روال کار «تکنیک و شیوه تفکر نقاش بود». در کنار خط - نقش های رضا مافی و محمد احصائی، صورت های تکیه تابلو های حاتمی آذرو اساطیر تصویر شده مرزائی پدیدار بود، طرحهای خشن و مرکبی بخش بزرگ را سوزدهای سنتی واسپور دنبال می‌کرد و تصدیق می‌کند که دیدن چنین مجموعه‌ای هیچ خط روشن و مداومی از تفکرات و رفتارهای هنری نقاشان بدست نمی‌دهد. آثار را به ترتیب معرفی هنرمندان در کارت دعوت نمایشگاه بررسی می‌کنیم:

از «محمد احصائی» تنها یک تابلو در نمایشگاه وجود داشت: احصائی را از راه کوشش های بسیار موفقش در تلفیق خط و نقاشی می‌شناسیم. اوکی است که خطوط گوناگون فارسی و عربی را بخوبی می‌شناسد و در حال حاضر امکانات تصویری خط ثلث را در بوجود آوردن کمپوزیسیون های چشم نواز خطی تجربه می‌کند. از ویژگیهای مهم کارهای احصائی استفاده از رنگ های مناسب زمینه تابلو ها برای هرچه بیشتر جلوه دادن به بیخ‌وخم خطوط است تا آنجا که گاهی سایه روشن های متن، حرکات حروف و انحنای کلمات زابر سطح دو بعدی بوم، برجسته نشان می‌دهد. زمینه اثر احصائی در این مجموعه تارنجی تیره و رنگ خطوط سیاه بود.

«بخش پور» سه طرح قوی و خشن مرکبی به نمایش گذاشته بود که حکایت از قدرت تلم و مهارت نقاش در طراحی نقش های پیچیده داشت. موضوع مشترک هر سه اثر مرغیایی وحشت آور بود که گاه درهم می‌پیچیدند و شاهیر های کرکس گوشان را که با ظرافت خاصی نقاشی شده بود بر سرهم می‌گسترده. در یکی از کارها کرکس خونخوار مرغ ضعیفی را شکار کرده و پنجه در پیکر بیجانش افکنده. وحشت مرگ و مهابتی که در هر خط تابلو بچشم می‌خورد به همراه فضای تیره‌ای که دو رنگ سیاه و سفید می‌آفرینند اثر القایی تابلوی بخش پور را تا حد زیادی بالا می‌برد.

از «بهنم بروجنی» که این روزها کمتر آوازش را در نمایشگاهها می‌شناسیم سه تابلو در سیحون دیدیم که یکی طرح ظریف و کوچک سیاه و سفیدی بود که پیرمرد مارگیری را سرگرم

بازی با ماری نشان می‌داد و تلفیق جالبی از موضوعی سنتی و تکنیکی غربی بود. تابلوهای دیگر رنگ روغنی بودند که در تیرگی مایل به سیاه زمینه ها صورتیایی محو و ساده را نشان می‌دادند. بروجنی از نظر طراحی از قویترین هنرمندان نقاش سرزمین ماست.

«حجت پناه» مجسمه ساز خوبی است زیرا توانسته با تکنیکی که مطلقا مربوط به او نیست، آثاری شخصی بیافریند، بدین معنا که توانسته تکنیک را به خدمت ارائه‌ی عقاید

مرزائی، نقاش اساطیر مذهبی است. او از داستانی و روایات مذهبی مسیحی و یهودی و قصص کتب مقدس تصویر می‌کند. مجموعه‌ی رنگی که مرزائی بکار می‌گیرد (و از رنگهای همگون و معمولا قرمز های گوناگون) بعنوان رنگ اصلی) تشکیل شده، به آثارش شخصیتی می‌بخشد که بسادگی در میان نقاشان دیگر قابل تشخیص است. تاثیر نقاشان آمریکای لاتین گادگاد در آثار وی جلوه می‌کند. دیدن آثار «عالیوندی» گرچه



شخصی خویش بگیرد. مجسمه های وی که بیکر آدمیا را بازسازی می‌کرد موفقتر از تنها اثر آبستره وی در نمایشگاه بود.

نشان می‌دهد که تنها از نظر تزئینی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. درباری او و آثارش با دیدن تنها تابلویی که در نمایشگاه بود نمی‌توان تضاد صیحیحی کرد.

زمینه‌ی سفیدگسترده، طرح های ساده و مسخ شده و صورتیایی با رنگهای تیره مشخصات آثار «حاتمی آذر» است. سه تابلوی او نشان می‌داد که توانسته ایجاد مطلوب در ارائه‌ی پیام پلاستیک را تا حدی فراچنگ آورد و این خود در کار یک نقاش، موفقیت بزرگ است.

«صفائیان» سوررئالیست ترین نقاشان این نمایشگاه بود. سه تابلو با رنگهای درخشان و حرکات ظهومی که با نظم خاصی رنگها را کنار هم نهاده‌اند یادآور آثار نخستین سوررئالیست های دنیای هنر است. مهمترین خصوصیت آثار صفائیان ترکیب هارمونیک رنگهای نزدیک به هم است.

«مافی» بدون اینکه تحول و تحرکی در آثارش بچشم‌بخورد، کمالات بر زمینه های تیره خطاطی می‌کند. مافی خطاط خوبی است اما نقاش خوبی نیست یعنی همانندی که باید میان خط و نقش صورت بگیرد تا از خط، نقاشی بوجود آید در آثار وی اتفاق نمی‌افتد. اما بهر حال منکر خاصیت تزئینی قوی کارهای وی نمی‌توان شد.

اما بیشترین تعداد تابلو (۶ اثر) از آن سرکیس واسپور بود. وی نقاش عوامل بومی ایرانی است. کبابه کش های زورخانه ها، برسر، داشمشتی ها و کلاه مخملی ها و کبوترها تمام کارهای وی در این نمایشگاه بر کاغذ و با آبرنگ نقاشی شده بود. در گفتگوی کوتاهی که با واسپور دست داد می‌گفت: من بیشتر از آنکه در پی ارائه فلسفه‌های عمیق یا پیامهای عجیب و غریب و دروغین باشم سعی می‌کنم در نقاشی هایم آنگونه که واقعا هستم جلوه کنم.

و این واقعیتی است که بسیاری از هنرمندان ما شجاعت اعتراف بدان را ندارند. گفتگو و بررسی نمایشگاه های جمعی ما همواره برای نقد مشکلی است، زیرا انبوهی آثار و تعدد هنرمندان از طرفی، و محدودیت نقد روزنامه‌ای از سوی دیگر بررسی دقیق و همه‌جانبه را کمتر امکان پذیر می‌سازد. اما در مجموع نمایشگاه جمعی گالری سیحون با آنکه در زمانی برپا شد (ایام عید و زمان خرید و فروش تابلو نقاشی بتوان هدیه‌ای روشن‌ترانه) که قصد بیشتر فروش نقاشی ها بود، امکان دیدار از نمونه های خوبی از نقاشی معاصر ایران را بوجود آورد.